

نگاهی گذرا به برخی از خاطرات تبلیغی در مناطق مشترک

حجت الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

قال الله تعالى: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱

مقدمه

یکی از آموزه‌های قرآن کریم، دعوت پیروان ادیان توحیدی به وحدت است: «يَا أَهْلَ
الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا
بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^۲ بگو ای اهل کتاب! بیایید
به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و
چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه
- به خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگویند: گواه باشید که ما
مسلمانیم». از این آیه شریفه چنین استنباط می‌شود که وقتی خداوند با اتکای به
اشتراکاتی از جمله یکتاپرستی و دوری از شرک، پیروان ادیان توحیدی را به وحدت
دعوت می‌کند؛ قطعاً وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در پرتو باورهای مشترک
فراوانی که با یکدیگر دارند، امری ممکن و مطلوب است. بر همین اساس باید بر
خلاف خواسته دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمین، در راه حفظ وحدت و انسجام
جامعه مسلمانان تلاش و تبلیغ کرد تا در پرتو انسجام و صلح و آرامش، جامعه
مسلمین به اهداف عالی اسلام نائل شوند. این نوشتار به برخی از خاطرات تبلیغی در
مناطق مشترک می‌پردازد.

* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. حجرات، ۱۰: «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا
بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید».

۲. آل‌عمران: ۶۴.

۱. بهره‌مندی از تجربیات مبلغان بومی

در ایامی که در مشهد مقدس به تحصیل دروس حوزوی مشغول بودم، به توصیه برخی اساتید اولین سفر تبلیغی را به شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان، آغاز و در یکی از روستاهای آن منطقه که ترکیب جمعیتی از تشیع و تسنن داشت، مستقر شدم. بنده که تا آن زمان با اهل سنت ارتباط تبلیغی و نزدیک نداشتم، تلاش نمودم که مبانی اعتقادی تشیع از قبیل مباحث امامت و ولایت و برخی از مباحث تاریخی و حوادث مربوط به پیدایش واقعه عاشورا را در جمع شیعیان و مجالس عمومی مطرح کنم. از حسن و زیبایی این سفر، استقرار در منزل یکی از اهالی روستا بود که افزون بر میزبانی از مبلغان، به عنوان ملای محلی منطقه، در هنگام عدم حضور مبلغین، به اقامه نماز جماعت و بیان احکام و مباحث اخلاقی و پیگیری امور مربوط به کفن و دفن اموات می‌پرداخت. بنده نیز با توجه به وضعیت ظاهری و مقبولیت مردمی وی، به ایشان احترام نمودم که این احترام، تأثیر خوبی در روحیه ایشان و مردم گذاشت و موجب حفظ جایگاه مردمی وی شد. در یکی از روزهای آغازین حضورم، ملای محلی بیان داشت که همسر یکی از بزرگان منطقه که از برادران اهل سنت می‌باشد، مرحوم شده؛ لذا برای عرض تسلیت به منزل ایشان می‌رویم. این دیدار، اولین دیدار بنده با اهل سنت منطقه بود که به جرأت می‌توان بیان کرد که اگر ملای باتجربه روستا نبود، قطعاً عدم آشنایی با برخی از آداب و رسوم منطقه ممکن بود موجب شود که به درستی وظیفه تبلیغی را انجام ندهم.

در مدت حضور در این منطقه، ملای باصفا و محبوب روستا، بسیاری از آداب و رسوم منطقه را به بنده تعلیم داد و حتی مباحثی از عقاید اهل سنت منطقه را نیز که در مراودات با اهل سنت یاد گرفته بود، بیان کرد. رمز موفقیت آن پیر باتجربه در آن منطقه که از جایگاه و اعتبار مناسبی نیز بین شیعیان و اهل سنت برخوردار بود، سلوک پدرانه و هدایت‌گرانه با همه مردم بود و با این نگاه محبت‌آمیز و سلوک اخلاقی در بین شیعیان و اهل سنت، وفاق و همدلی خاصی را به وجود آورده بود و همه مردم چه شیعه و چه اهل سنت به او احترام می‌کردند و کلام او، فصل الخطاب منازعات و گرفتاری‌های روزمره زندگی مردم در مناطق بود.

۲. تأثیر برخورد و رفتار مناسب با جوانان

در ایام ماه محرم، شور و شعور حسینی در تمام کشور طنین‌انداز می‌شود و افزون بر

اماکن مذهبی، فضای شهرها و روستاها نیز رنگ و بوی حسینی می‌گیرد و با نصب پرچم و نمادهای عزا در سر درب منازل، ادارات و مغازه‌ها تمام منطقه سیاه‌پوش می‌شود. برخی جوانان شیعه، به شعارنویسی بر دیوارها و گاهی شیشه ماشین‌ها نیز همت می‌گذارند تا پیام‌رسان عاشورا باشند. در مناطق مشترک شیعه و اهل سنت نیز همت جوانان بر انجام این امور بیشتر است. در یکی از روزهای محرم، جهت شرکت در جلسه‌ای از خیابان رد می‌شدم که دیدم پشت شیشه ماشینی، جملات تحریک‌آمیزی در مدح برخی از خلفای اهل سنت نوشته شده بود. احساس کردم این کار خصوصاً در این ایام، موجب تحریک جوانان تشیع و قطعاً به درگیری ختم می‌شود. جوان راننده را به محل کار دعوت کردم و با صمیمیت با هم گفتگو کردیم. ایشان بیان داشت که برخی افراد و سازمان‌ها، به بنده تذکر دادند که باید این جملات را از پشت ماشین پاک کنی، اما من این کار را نخواهم کرد هر چند که تهدید کنند و به ضرر من تمام شود؛ زیرا به این جملات اعتقاد دارم، همان‌طور که شما شیعیان برای امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام شعارنویسی می‌کنید.

با حرف‌های این جوان، احساس کردم این کار را بر طبق اعتقادات مذهبی خود انجام داده است. لذا با آرامش، ضمن تحسین او در دفاع از عقاید خود توضیح دادم که امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا، از مشترکات همه مذاهب اسلامی است و نه تنها شیعه، بلکه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز به امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزند و از شهادت ایشان متأثرند. بنابراین اگر جوانان شیعه جملاتی در مورد عاشورا و اهل بیت علیهم السلام نوشته‌اند قطعاً خلاف وحدت نیست؛ بلکه ترویج باورها و اعتقادات مشترک شیعه و اهل سنت است؛ هم‌چنانکه بزرگان اهل سنت تألیفات فراوانی درباره حادثه عاشورا و عظمت و شخصیت امام حسین علیه السلام دارند و اشعار زیبایی نیز سروده‌اند که شعر اقبال لاهوری نمونه‌ای از آن است:

آن امام عاشقان پور بتول	سرو آزادی ز بستان رسول
الله الله بای بسم الله پدر	معنی ذبیح عظیم آمد پسر
بر زمین کربلا بارید و رفت	لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد	موج خون او چمن ایجاد کرد
رمز قرآن از حسین آموختیم	ز آتش او شعله‌ها اندوختیم

تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان

بعد از خواندن این اشعار و بیان برخی از روایات در مورد اهل بیت علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام از منابع اهل سنت، این نکته را تذکر دادم که بزرگان شیعه این ملاحظه را دارند تا شیعیان خصوصاً جوانان، از تفرقه و اختلاف اجتناب کنند و لذا اعتقادات مخصوص و ویژه خود را در اماکن اختصاصی ابراز می‌کنند، نه عمومی. سطح شهر نیز از اماکن عمومی است، شما هم عقاید اختصاصی را در اماکن اختصاصی مثل مساجد و مدارس علمیه ابراز نمایید تا موجب اختلاف و کینه و کدورت بین شیعیان و اهل سنت نشود.

با این توضیحات جوان آرام شد و از بنده تشکر کرد و گفت: ای کاش دیگران که این تذکر را به من می‌دادند، رفتاری همانند رفتار شما می‌کردند و منطقی با من صحبت می‌نمودند لذا به خاطر تذکر شما که بیان داشتید اعتقادات مشترک را در مکان عمومی ترویج دهیم بنده هم رعایت می‌کنم و جملات را پاک می‌کنم تا موجب بهم‌ریختگی و نزاع و اختلاف نشود.

۳. استفاده از توانمندی فعالان شیعه و اهل سنت در اجرای برنامه‌های فرهنگی

مشارکت نهادها، سازمان‌ها و فعالان فرهنگی در اجرای برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی، از نکات مهم و تأثیرگذار در پیشرفت تبلیغ است که لازم است مبلغان محترم به آن توجه نمایند. برخی از مبلغان با درایت، تلاش دارند که در فرصت کوتاه ایام تبلیغ، نیروسازی می‌کنند و به تربیت نیروها جهت اجرای برنامه‌های عبادی و فرهنگی می‌پردازند. در هنگام اقامه نماز، مؤذن و مکبر را از بین جوانان و نوجوانان انتخاب می‌کنند. قرائت ادعیه و قرآن را به برخی دیگر می‌سپارند و به همین منوال از همه نیروها بهره می‌برند تا افزون بر مشارکت همگانی، از توان نیروها هم استفاده کنند.

در مناطق مشترک نیز می‌توان در برگزاری برنامه‌ها، از توان و ظرفیت نهادها، سازمان‌ها و فعالان فرهنگی شیعه و اهل سنت بهره برد. حتی از توان خیرین اهل سنت که مشتاق به فعالیت فرهنگی هستند، برای اجرای برنامه‌های مذهبی خصوصاً ایام محرم و صفر و مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام بهره برد.

در ایام عید قربان و غدیر با توجه به اهمیت این دو عید در اسلام، برنامه‌ریزی کردیم تا برای اولین بار، جشن بزرگی با عنوان «جشن بزرگ عید قربان تا غدیر» را در منطقه تبلیغی مشترک برگزار نماییم تا افزون بر بزرگداشت این دو عید، جشن غدیر نیز به صورت ترکیبی و با حضور شیعیان و اهل سنت برگزار شود و روحانیت اهل سنت در مورد این دو واقعه مهم سخنرانی نمایند. با پیشنهاد بنده، مجری برنامه یکی از فرهنگیان اهل سنت انتخاب شد که اجرای بسیار مناسبی داشت. ایشان در ابتدای اجرای برنامه، این شعر را خواند و فضای جلسه را معطر به عطر نام مبارک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نمود و مورد تحسین شرکت‌کنندگان قرار گرفت و ارادت خود را به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ابراز داشت.

یک روز که پیغمبر در گرمی تابستان دیدند که زنبوری از لانه خود زد پر بوسید عبایش را، دور قدمش پر زد پیغمبر از او پرسید: آهسته بگو جانم زنبور جوابش داد: چون نام تو می‌گویم تا یاد تو را هر شب چون گل به بغل دارم از قند و شکر بهتر خوشتر ز نبات است این	همراه علی می‌رفت در سایه نخلستان آهسته فرود آمد بر دامن پیغمبر بر خاک کف پایش صد بوسه دیگر زد طعم عسلت از چیست؟ هر چند که می‌دانم گل می‌کند از نامت صد غنچه به کندویم هر صبح که برخیزم در سینه عسل دارم طعم عسل از من نیست، طعم صلوات است این
---	---

۴. ضرورت دقت مبلغان در صحت گزارش ارائه شده از مسائل مناطق مشترک

یکی از نکات مهمی که مبلغان باید آن را رعایت نمایند، دقت در گزارش‌ها و تحلیل و رصد و بررسی صحت آن است. متأسفانه در برخی از موارد، عده‌ای گزارش‌های خلاف واقع را به مبلغان می‌دهند و با برجسته کردن آن و رنگ و بوی مذهبی دادن، موجب بدبینی می‌شوند. روزی یکی از دوستان که در یکی از مراکز فرهنگی مشغول بود، اطلاع داد گزارشی از فلان منطقه ارسال شده است که برخی مسئولین در حق مردم جفا می‌کنند و عدالت را رعایت نمی‌کنند و افزون بر قطع کتور آب مردم، دبیرستان شبانه‌روزی که قرار بود در آن منطقه محروم احداث شود، به جای دیگری انتقال دادند. بنده مسئله را بررسی کردم و از فرماندار که بومی آن محل بود، توضیحاتی خواستم. ایشان گفت برخی اهالی آن منطقه، مدتی است که قبض آب

مصرفی خود را پرداخت نکردند؛ لذا شرکت آب و فاضلاب برای دریافت هزینه آب مصرفی، به آنان اخطار قطع آب در صورت عدم واریز هزینه را داده است و این اخطار مختص به یک طایفه و قوم و مذهب نیست؛ بلکه شامل همه مردم آن منطقه می‌شود. همچنین در بحث احداث دبیرستان شبانه‌روزی در آن منطقه، با توجه به تعداد اندک دانش‌آموزان بنا شد که دبیرستان در محل دیگر که جمعیت دانش‌آموزی بیشتری دارد، احداث شود و برای دانش‌آموزان این منطقه نیز از طرف آموزش و پرورش، سرویس ایاب و ذهاب تدارک دیده شود. بعد از بررسی وضعیت منطقه و دریافت پاسخ مسئولین، به یقین رسیدم که برخی گزارش‌های ارسالی بر مبنای حب و بغض و منافع شخصی تنظیم می‌شود و لازم است نهایت دقت در صحت آن انجام شود تا خطایی انجام نگردد و ظلمی واقع نشود.

۵. اهدای هدیه به برخی افراد در ایام تبلیغ

یکی از دستورات زیبا و جذاب اسلام، هدیه دادن به افراد است که در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز تأکیدات فراوانی بر دادن هدیه شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَهَادُوا تَحَابُّوا، تَهَادُوا؛ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ»^۱ به یکدیگر هدیه دهید تا محبوب یکدیگر شوید. به یکدیگر هدیه بدهید؛ زیرا کینه‌ها را می‌زداید». مناسب است روحانیون و مبلغان گرامی در ایام تبلیغ، هدایایی هر چند اندک تهیه کنند و به برخی اشخاص اعطا نمایند؛ زیرا این کار به ظاهر ساده و کوچک، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر مخاطبان دارد و رسالت تبلیغی را تسهیل می‌کند. در ایام تبلیغی یکی از مبلغان را که سابقه زیادی در تبلیغ در مناطق مشترک داشت، به منطقه دعوت کردیم. ایشان معمولاً هدایایی از قبیل سوهان و نبات از قم تهیه می‌کرد و به همراه داشت و به برخی از افراد به عنوان هدیه تعارف می‌کرد. در روز جمعه برای سخنرانی در میان نمازگزاران اهل سنت، با امام جمعه اهل سنت یکی از مساجد هماهنگ شد تا ایشان دقایقی در میان نمازگزاران سخنرانی کند. مبلغ مذکور در زمان حرکت به سوی نماز جمعه، یک بسته سوهان برای هدیه به امام جمعه همراه برد و بعد از احوال‌پرسی با امام جمعه در مسجد، بسته سوهان را به ایشان هدیه داد و بعد هم سخنرانی مناسبی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۴۴؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج

انجام داد که مورد توجه مردم قرار گرفت. امام جمعه نیز بعد از سخنرانی ایشان، از حضور و سخنرانی ایشان در جمع نمازگزاران تشکر کرد و گفت: «حاج آقا همیشه به ما لطف دارند و در این ایام که برای تبلیغ به این شهرستان آمدند و در نماز جمعه ما شرکت کردند، ما را از سخنان خود مستفیض کردند و همیشه به یاد ما هستند؛ لذا از قم نیز برای ما یه بسته سوهان هدیه آوردند که بیانگر محبت ایشان به ماست. لذا بنده ویژه از ایشان بابت سخنرانی و هدیه تشکر می‌کنم».

فهرست منابع

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ سوم، قم: اسوه، ۱۳۷۵ش

